

بازی پاکستان با ورق بنیاد گرایی،

تروریزم و افراط گرایی

قسمت دوم

استاد (صبح)



آی اس آی و احزاب افراطی اسلامی و آینده پاکستان



پاکستان به عنوان بهشت امن تروریست ها یاد می شود که انواع مختلف گروه های افراطی و خشونت طلب تروریست در خاک این کشور حضور داشته و بدون محدودیت به فعالیت می پردازند. گروه های تروریستی فرقه ای مانند سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، گروه های تروریستی ضد هندی مانند لشکر طیبه، جیش محمد، و تحریک نفاذ شریعت محمدی و تحریک طالبان پاکستان می باشد این گروه ها با حمایت آی اس آی به انجام فعالیت های تروریستی در راستای اجرای رادیکالیسم اسلامی می پردازند.

معرفی مختصر احزاب پاکستان:

نام حزب ----- رییس حزب

- حزب ملی عوام اسفندیار ولی خان

- جنبش ملی بلوچستان (حی) حی بلوچ
- حزب ملی بلوچ سردار اختر مینگال
- حزب جمهوری وطن اکبر خان بوگتی
- جمعیت الحدیث ساجد میر
- جمعیت علمای اسلام - شاخه فضل فضل الرحمان
- جمعیت علمای اسلام شاخه نیازی سمیع الحق
- حزب ملت فاروق لغاری
- شورای ملی پاکهتی قاضی حسین احمد
- جماعت اسلامی پاکستان قاضی حسین احمد
- جمعیت علمای پاکستان شاخه نورانی شاه احمد نورانی
- جنبش متحده قومی - شاخه الطاف حسین
- حزب ملی مردم غلام مصطفی جتویی
- حزب عوام پختون خواه محمود خان اچکزی
- حزب قومی پختون محمد افضل خان
- تحریک عوام پاکستان طاهر القادری
- مسلم لیگ - شاخه جونجو حامد ناصرچاٹھا
- مسلم لیگ - شاخه نواز نواز شریف
- مسلم لیگ - شاخه قائد اعظم چوهدری شجاعت حسین
- مسلم لیگ پاکستان شاخه فدا ملک محمد قاسم
- مسلم لیگ شاخه قاسم ملک میرحضرخان.

پاکستان از جمله کشور هایی است که طی چند سال اخیر اذهان محافظ فکری و سیاسی را به خود جلب نموده است؛ چرا که این کشور با چالش هایی روبرو است که به طور مستقیم و غیر مستقیم جامعه بین المللی را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از عمده ترین این چالش ها که نه تنها پاکستان را آبنستن حوادث ناگوار کرده، بلکه بازتاب های آن در سطوح منطقه ای و جهانی به وضوح قابل رؤیت می باشد، چالش افراطگرایی اسلامی است. در سطح ملی وجود برخی عناصر مانند مدارس مذهبی و گروه های تروریستی، پاکستان را مبدل به مهد تفکرات افراطگرایی اسلامی نموده است. در سطح منطقه ای نیز ارتباط با طالبان در افغانستان و تأثیر افراطگرایی اسلامی بر شدت مبارزه در منطقه کشمیر تحت کنترل هند موجب شده است دو کشور، پاکستان را به عنوان کانون آشوب سازی در منطقه معرفی نمایند. افراطگرایی اسلامی در پاکستان نه تنها در سطوح ملی و منطقه ای تأثیر

گذار بوده، بلکه نفوذ آن در سطح جهانی به شکل ترکیب با القاعده (به صورت سازمانی با گرایش جهانی) ادامه یافته است.

از چهارده اگست سال نوزده چهل و هفت میلادی که پاکستان به عنوان یک کشور مسلمان بر روی نقشه سیاسی جهان پدیدار گشت تا زمان حال، این کشور همواره گرفتار بی ثباتی سیاسی، برخوردهای بیپای فرقه ای و گسترش چشم گیر بنیاد گرایی بوده است. چنانچه موضوعات و مسائل مربوط به دنیای سیاست را در دو قالب «خیر» و «شر» مورد ارزیابی قرار دهیم؛ به طوری که اگر موضوعاتی نظیر تروریسم، بنیاد گرایی و پرورش فرهنگ خشونت را به عنوان نمادی از پدیده های «شر» و هم چنین موضوعاتی از قبیل مبارزه با تروریسم، دموکراسی خواهی، تحمل مخالفان و تکثر گرایی را به عنوان نمادی از پدیده ای «خیر» شاخص قرار دهیم، خواهیم دید وضعیتی که بر پاکستان حاکم است حکایت از برتری شر در مقابل خیر در این کشور دارد. دغدغه نجات بخشی انسان ها از سوی پاکستانی های افراطی، کار را به جایی رسانده است که امروز پاکستان در پرتو راه اندازی جنبش های اسلام گرای و حامی افراطگرایی اسلامی، بسان طبیبان معنوی بی سرزمین، اقدام به مداخلات غیر قانونی کرده و خشونت های نابخشودنی را به بهانه دستورات دین اسلام به انجام می رسانند.

آثار و تبعات ناشی از وضعیت افراطگرایی نگران کننده در پاکستان و گسترش خشونت های غیر قابل کنترل، به دیگر سخن نتایج ناشی از خشونت و افراطگرایی اسلامی در پاکستان همانند ویروسی خطرناک، در کنار تأثیرگذاری بر سطح داخلی به سطوح منطقه ای و جهانی نیز سرایت کرده و آن ها را هم آلوده نموده است. تبیین و بررسی چگونگی رخنه افراطگرایی از نوع پاکستانی آن از سطح ملی به منطقه ای و در نهایت به سطح بین المللی هدف اصلی مقاله می باشد.

طی معرفی و شناخت عناصر مولد افراطگرایی در سطح داخلی پاکستان مانند مدارس مذهبی و انواع گروه های تروریستی به عنوان پرورشگاه اصلی تروریست ها و نمادهای بنیاد گرایی و هم چنین در سطح منطقه ای ارتباط آن ها با طالبان در افغانستان و تقویت و تشدید عملیات های تروریستی در منطقه کشمیر تحت کنترل هند با الهام از افراط گرایی اسلامی و در نهایت ترکیب افراطگرایی اسلامی از نوع پاکستانی آن با القاعده که میزان گستردگی نفوذ و انتشار این ویروس خطرناک در سطح جهانی را نمایان می سازد، مشخص می گردد که افراطگرایی اسلامی در پاکستان جهانی فکر کرده، محلی و منطقه ای اقدام به فعالیت می نماید.

جهت تبیین چگونگی عملکرد افراط گرایی اسلامی در پاکستان و نحوه تأثیرگذاری آن بر سه سطح داخلی، منطقه ای و جهانی به بررسی هر کدام از سطوح و نحوه تعامل آن ها می پردازیم.

به عقیده بسیاری از کارشناسان، پاکستان به عنوان باشگاه تروریسم پروری در میان کشورهای منطقه محسوب می گردد. از عمده دلایل اطلاق این عنوان به پاکستان، وجود چندین هزار مدرسه مذهبی تندرو و هم چنین حضور گروه های تروریستی در خاک این کشور می باشد.



ننگین ترین چهره های دیکتاتوری نظامی که دوام نفرت انگیز خویش را در حمایت از تروریسم و بنیادگرایی و مداخله بی شرمانه و رذیلانه جستجو مینمودند و مینمایند. یکی از پدیده های قابل توجهی که در کشور پاکستان، حد اقل دو بار در سالهای اخیر تکرار شده است، پدیده (انقلاب السحر علی الساهر) است که نمونه بارز آن گروه معروف طالبان افغانستان بود که نیروهای امنیتی پاکستان به کمک نیروهای امنیتی کشورهای دیگر بوجود آمد اما پس از مدتی این جنبش که برای تامین اهداف استعماری آنها تاسیس شده و پشتیبانی می شد، برای مؤسس و پایه گذار خود مشکل ساز شد به گونه ای آمریکا و غرب بعد از حادثه یازده سپتامبر با لشکر کشتی عظیم این گروه را موقتاً سرکوب کردند و بسیاری از نیروهای آنها را به زندان گوانتانامو بردند.

اهمیت و جایگاه مدارس مذهبی پاکستان در پدیده افراطگرایی اسلامی به میزانی است که جفری گلدبرگ، از آن به عنوان نماد و مظهر آموزش جنگ جویان مقدس نام می برد. این در حالی است که بر اساس آمار تعداد مدارس مذهبی افراطی پاکستان، بیش از دوازده هزار و دویست باب مدرسه در سراسر کشور با بیش از یک میلیون ششصد هزار طلاب مشغول به تحصیل می باشد. در خصوص عوامل اصلی رشد مدارس مذهبی در پاکستان می توان به چند عامل نظیر قدرت گیری جنرال ضیاء الحق، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و حمله اردوی شوروی به افغانستان در سال نوزده هفتادونو میلادی اشاره نمود. از جمله عوامل اساسی رشد مدارس مذهبی در پاکستان قدرت یابی جنرال ضیاء الحق، یک دیوبندی علاقه مند به وهابیت بود. از آن جا که توسعه مکتب سلفی در سراسر جهان اسلام به کمک دالره های نفتی یک هدف اساسی و بلند مدت برای عربستان سعودی محسوب می گردید، جنرال ضیاء توانست از این طریق، مدارس مذهبی را زیر چتر حمایت های سعودی ها ببرد. این در

حالی بود که در دوران ضیاء الحق برای نخستین بار در تاریخ پاکستان، حکومت به حمایت مالی از توسعه آموزش‌های مذهبی اقدام نمود و حتی پرداخت زکاة جهت تأمین هزینه مدارس مذهبی بر ای شهروندان این کشور الزامی گردید. جنرال ضیاء در راستای موفقیت هر چه بیشتر مدارس مذهبی اقدام به کاهش بودجه عمومی آموزش و پرورش پاکستان نمود. با کاهش بودجه عمومی آموزش و پرورش، فرزندان خانواده های فقیر به ویژه در سطح روستاها به سوی مدارس مذهبی که کمک هزینه تحصیلی آن ها پرداخت شده بود، فرستاده شدند. به موازات این مهم، جنرال ضیاء دستور داد مدارک تحصیلی این مدارس معتبر شناخته شود و دستگاه های دولتی به ویژه ارتش موظف به جذب این نیرو ها در سمت های مختلف شدند. حتی برای مدتی ارتقاء درجه نظامیان به این بستگی داشت که آن ها فرایض را کاملاً به جا آورده و در مدارس مذهبی دوره هایی را گذرانده باشند.

هم زمان با لشکرکشی اردوی سرخ در سال نوزده هفتادونو میلادی به افغانستان، بار دیگر گسترش مدارس مذهبی پاکستان در الویت قرار گرفت. در حقیقت با موجودیت قوای شوروی، پاکستان به عنوان خط مقدم جبهه مبارزه تبدیل گردید و در این میان مدارس مذهبی پاکستان زمینه عضویت جهادگران از کشورهای مختلف را در اردوگاه ها جهت آموزش ایدئولوژیک و جنگ های چریکی فراهم آوردند. بدین ترتیب علماء متعصب دیوبندی آموزش ایدئولوژیک مدارس مذهبی پاکستان را به عهده گرفتند تا داوطلبان جهاد در افغانستان را آموزش دهند. به بیان دیگر، مدارس نقش سربازان پیاده را در بازی شطرنج افراط گرایی مذهبی بر عهده داشتند.

با وقوع حوادث تروریستی یازده سپتامبر دوهزارویک میلادی و گسترش موج افراط گرایی و اندیشه های رادیکالیستی و آشکار شدن جایگاه ویژه مدارس مذهبی پاکستان در تلقین فکری و ایدئولوژیکی و حتی آموزش نظامی به تروریست ها تعدادی از محققان اظهار کردند که تهدید جدی از جانب مدارس مذهبی رادیکال پاکستان نه فقط ثبات منطقه جنوب آسیا بلکه امنیت را در سراسر جهان تهدید می کند. بر اساس تحقیقات صورت گرفته مشخص گردید فارغ التحصیلان مدارس مذهبی پاکستان غالباً در مسیری قرار می گیرند که مستعد جذب توسط فرقه های مذهبی افراطی برای نبرد در کشمیر و افغانستان، مبارزه بر علیه حکومت مرکزی پاکستان و حتی گروه های مذهبی رقیب می شوند. تعدادی از این مدارس در حال صدور بینش خاص خود از جهاد به سراسر دنیا هستند؛ به عنوان نمونه رییس مدرسه «خدام الدین» اظهار داشت این مدرسه در حال تعلیم و آموزش دانش آموزان متعددی از کشورهای برمه، نپال، چین، بنگلادش، افغانستان، یمن، مغولستان و کویت می باشد. هم چنین دانش آموزانی از کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، روسیه و ترکیه در مدرسه «دار العلوم الحقانیه»، دیگر مدرسه مذهبی افراطی پاکستان تعلیم می بینند.